

حکومت چین
از سال ۲۰۱۳ رشد
اقتصادی را اولویت
اصلی خود ذکر
نکرده است، اما
اغلب مردم چین
همچنان اقتصاد
را پایه قدرت
همه جانبه ملی
می دانند و از ارتقای
منافع اقتصادی به
سطح یک هدف
اصلی سیاسی
حمایت می کنند.

هرج و مرج حاکم خواهد شد؛ از همین رو است که برقراری تعادل میان آزادی تک تک دولت‌ها و نظم بین‌المللی، یک موضوع سیاسی و حیاتی است. (آداب I) یک ارزش سنتی چینی است که نه تنها امور سیاسی بلکه زندگی روزمره مردم عادی را نیز در بر می‌گیرد. آداب به هنجارهای اجتماعی گفته می‌شود که مطابق با یک اخلاق مفروض شکل گرفته‌اند. آداب اگرچه تشریفاتی هستند، در نسبت با قانون، نقش گسترده‌تری در حفظ نظم اجتماعی ایفا می‌کنند. به تعبیر کنفوسیوس: «اگر آداب را یاد نگیرید، شخصیت شما نمی‌تواند تثبیت شود».^{۵۴} قوانین با مجازات رفتار قانون شکنانه پس از وقوع، از اقدامات غیرقانونی جلوگیری می‌کنند، درحالی‌که آداب به صورتی پیشگیرانه از طریق قالب‌های اخلاقی، رفتار غیرمتمدنانه مردم را مهار می‌کنند. آداب نیرویی بسیار بازدارنده‌تر از قوانین هستند؛ زیرا در حوزه‌های غیرمرتبط با قانون عمل می‌کنند. قوانین از آزادی بیان حمایت می‌کنند، اما به مهار ناسزا و فحش قادر نیستند. در این میان، آداب می‌توانند مردم را از به زبان آوردن کلمات مستهجن بازدارند. علاوه بر این، آزادی بدون محدودیت آداب می‌تواند به سادگی به مناقشات خشن منجر شود؛ به عنوان مثال، فیلم آمریکایی «معصومیت مسلمانان» که در سال ۲۰۱۲ ساخته شد، از نظر قانونی با اصل آزادی بیان سازگار است، اما اعتراضات گسترده‌ای را در بسیاری از کشورهای مسلمان موجب شد که کشته‌ها و زخمی‌های بسیاری را نیز در این کشورها بر جای گذاشت.^{۵۵} آداب بنیاد مدنیت هستند و معنای اجتماعی حیات انسانی را به ورای اصل آزادی می‌رسانند. از آنجاکه انسان برای معنای حیات ارزش قائل است، تفاوت اصلی میان انسان‌ها و حیوانات را نمی‌توان به تنهایی در میزان تلاش آنان برای جست‌وجوی آزادی تعریف کرد، بلکه انسان، آزادی را در چهارچوب هدفی معنا بخش جست‌وجو می‌کند. آداب به هدایت انسان‌ها به سمت رفتار متمدنانه کمک می‌کنند و در نتیجه معنای حیات را غنی می‌سازند. آزادی بدون مدنیت ممکن است به قهقرایی مشابه با جامعه حیوانات و جانوران منجر شود. به تعبیر شوئزی: «پرنده‌گان و جانوران پدر و مادر دارند اما محبت پدرانه و مادرانه ندارند؛ آن‌ها بین نر و ماده تمایز قائل می‌شوند، اما بین مرد و زن خیر».^{۵۶}

در فرهنگ چینی رفتارهای عمیقاً غیرمتمدنانه‌ای همچون زنا با محارم یا بدرفتاری با سالمندان، غیرانسانی و بلکه حیوانی تلقی می‌شود؛ بنابراین فعالیت انسانی، توانایی او برای تمایز بخشیدن میان نیکی‌ها و بدی‌های اجتماعی تعریف می‌شود؛ به عنوان مثال، همه حیوانات آزادی دفع [فضولات] دارند، اما مدنیت انسان را از دفع کورکورانه، آن‌طور که یک حیوان ممکن است انجام دهد، منع می‌کند. از طریق مدنیت است که بشریت مدام